

# انتقاد و معیارهای آن در آموزه‌های دینی

محقق: مصطفی عطاپوری  
مدرس: فرهنگ و معارف قرآن

در میان مخلوقات عالم هستی، انسان تنها موجود معجون و مرکب از دو بُعد مادی و معنوی است و این دو بُعد نهادینه شده در وجود انسان، مدام با همدیگر در تضاد و درگیری به سر می‌برند. جنگ و نزاع همیشگی بین ماده و معنی، بستری شده است تا انسان، خود و هموعانش را بهتر و بیشتر شناسایی نموده، نقایص، کاستی‌ها و عیوب را بر ظرف ساختن و جبران کند در نتیجه راه سعادت، کمال و تعالی را پیدا کرده و بییمایند.

از سوی دیگر، میزان خطای انسان در میدان سعی و تلاش زندگی، رقم قابل توجهی را تشکیل می‌دهد تا جایی که باعث شده است گفته شود: «انسان ذاتاً خطاکار است» روایاتی از معصومان و نیز آیاتی از قرآن کریم به نفعی آن را بیان می‌دارد.

قرآن کریم، طریقی یک‌نقار از زبان حسرت، پشیمانی و توبه، رأی دیگر از زبان هشمر عزیز مسرور این گونه می‌فرماید: «درین خسروستن را قیامت می‌گفتم زیرا که من انسانی را به بدی فرستادم که در روز قیامت من بپوشانم آنرا» (سجده: ۷۲) اصل مسلم را روشن می‌سازد که خیر انسان‌ها در فعالیت‌های دنیوی و دینی، معصوم از خطا نیستند جز عداً نادینی که مورد توجه و عنایت خاص پروردگار جهان قرار می‌گیرند (۱).

در سوره عصر، باز هم اصل خاطی بودن انسان، با تأکید بیشتری مورد توجه قرار گرفته است آن‌جا که می‌فرماید: «قسم به عصر که همه انسان‌ها زیانکار هستند مگر کسانی که ایمان به خدا آورده و عمل صالح دارند و همدیگر را به راه راست و صواب دعوت می‌کنند.» (۲)

بنابراین، اصل مسلم این است که همه انسان‌ها «به جز انبیاء و معصومین، در فعالیت‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و... دچار خطا و گرفتار اشتباه می‌شوند و همین امر، باعث طرح اصل دیگر به نام «نقد و انتقاد» در زندگی انسان به خصوص فعالیت‌های جمعی او شده است.

### تعریف انتقاد

انتقاد از ماده «نقد» به معنای: عیب‌یابی، ویران کردن، سرزد، ریب و پشیمانی و ریب ذکر شده است این معانی از سوی واژه‌شناسان در زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی، مورد تشریح قرار گرفته و در کتب لغت بیان شده است.

لغت‌نامه دهخدا، با استناد به کتب لغت و

ذکر تعاریف مختلف، نتیجه می‌گیرد «انتقاد عبارت است از سرزد کردن، سرزد گرفتن، بیرون کردن درهم‌های نادره از میان درهم‌ها، استکار کردن، عیب شعر بر قایل آن، گاه از دانش جدا کردن.» (۳)

لسان العرب، می‌گوید: «تمییز اندرهم و اخراج الزیف منها» (۴) که به معنای جدا کردن و سرزد کردن درهم و شناخت اصلی و قلابی آن است، باید توجه داشت که در گذشته پیل رایج در بین مردم، سکه‌های فلزی گران‌قیمت بوده و در ضرب آن، معیار و ملاک مورد اعتماد بود و چون تفاوتی با امکان تقلب در ضرب آن وجود نداشت، برای آن سکه‌ها، ضرب شده به ترویج کارسازان پیدا شدند که با نگاه دقیق به کارشناسان سکه‌ها را از حیث وزن، عیار و شکل، بررسی و اصل و تقلبی آن را شناسایی و برای مردم معرفی می‌کردند. به به مرور زمان این عمل و قاعده در خوره‌های دیگری مثل نظم و نثر و... تسری و

گسترش پیدا کرد.

و در اصطلاح نیز گفته‌اند: نقد عبارت از: «تجزیه و تحلیل آثار و ارزیابی آن از نظر فنی» است. (۱) «انتقار نور، نقد و شاعر انگلیسی» نقد را «سعی و مجاهده‌ای می‌داند. عاری از تمایز اغراض و منافع تا بهترین چیزی که در دنیا دانسته شده است و یا از اندیشه انسان تراوش کرده است، شناخته کرده و شناسانده شود» (۲) و کارایی نقد را عبارت از «بررسی آثار گذشته و معاصر به منظور رفع ابهام و توضیح و ارزیابی آنها» (۳) معرفی می‌کند. می‌گوید: «نقد کردن آبل از هر چیز درک کردن است» (۴) از مجموعه مطالب یاد شده، می‌توان استفاده کرد که: نقد در اصطلاح عبارت از تحلیل و ارزیابی آثار علمی، هنری و... گذشته و حال و تشخیص صحت و سقم آن به منظور دفع ابهام و کج‌فهمی‌ها است.

بنابراین، انتقاد به معنای بیان نقایص و کاستی‌ها می‌باشد و این اصل و قاعده در کلیه حوزه‌ها و قلمرو فعالیت انسان‌ها، جریان داشته و دارد. در حقیقت، بیان نقایص و کاستی‌ها باعث رشد انسان و جامعه انسانی در تمام ساحات شده است و همین ویژگی مسیر انسان را از سایر موجودات که به نحو زندگی اجتماعی دارند، جدا می‌سازد.

### آثار و پیامدهای انتقاد

#### ۱- نجات از غفلت و فراموشی

از جمله صفات که اکثراً حسرت و اندوه را برای انسان ایجاد می‌کند نسیان و فراموشی است به قول سقراط: آدمیان جاهل نیستند بلکه غافل‌اند و از این رو نیاز به تذکر دارند. (۱) افراد و اشخاص که وظیفه مسئولیت خود را فراموش می‌کنند، نقد و انتقاد «تذکر و توصیه» می‌تواند به یاری و کمک آنان شتافته و از زیان‌های فراوانی که ممکن است دامنگیرشان شود جلوگیری نماید، حوزه نسیان و فراموشی به عمل خلاصه نمی‌شود در حوزه‌های علمی و عملی نیز دامنگیر انسان‌ها شده و می‌شود، غفلت از یک نکته اساسی ممکن است یک نظریه پرداز را دچار خطا و اشتباه کرده و یا متزلزل سازد، نقد، انتقاد و تذکر می‌تواند این نقیصه را رفع نماید.

کم نیستند آیات قرآنی که با صراحت انسان را به تفکر، تدبیر و تعقل دعوت می‌نماید و در طبرف مقابل با جملات انقلابی، بون، افلاک فکرون، افلاک بنظرون، نسا رضایتی خسود را از افسران سست و سطحی‌نگر ابراز می‌دارد چرا که در سایه تذکر و تعقل است که خیلی از مشکلات حل و فصل می‌شود، نقایص و کاستی‌ها شناسایی و مرتفع می‌شود.

#### ۲- اصلاح خطاها در حوزه عملی و تجاری

انسان ذاتاً «معیب» در هر حوزه و حیطه‌ای «عالمی و عملی» که وارد شوند احتمال خطا و لغزش وجود دارد چرا که نظم و آگاهی انسان محدود و ناقص است از طرف دیگر شهوات، غرایز و منیت‌ها بر عملکرد او، تأثیر فراوان داشته و دارد، نقد و نقدپذیری، حتی خود را در معرض نقد قرار دادن، بهترین راه و روش است که می‌تواند درصد خطا و اشتباه انسان را کاهش داده و ضریب اطمینان را بالا ببرد، کم نبوده‌اند بزرگان و معلمان اخلاق که برای شناخت و رفع عیوب نفس، پیشنهاد کرده و می‌کنند که درصد یافتن دوستی باشید که راستین، بصیر و متدین باشد.

#### ۳- رشد علوم و فنون

انتقاد، اشکال و عیب‌جویی، گرچه در ظاهر و ابتدای امر، برای هر انسانی، تلخ و ناخوشایند است ولی نقش بسیار مؤثر و تعیین کننده در جهت رشد و بالندگی انسان در فعالیت‌های فردی و عرصه‌های کلان اجتماعی، ایفا می‌نماید. اگر انتقاد و عیب‌یابی نباشد، بدون شک قطار حرکت رشد و تکامل انسان در تمام حوزه‌ها و عرصه‌ها، متوقف خواهد شد و یا سرعت آن، به شدت کاهش پیدا خواهد کرد و این یک واقعیت انکارناپذیری است که همه انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی خود، شب و روز با آن سر و کار دارند.

از باب نمونه، طفل خردسال در ابتدای یادگیری در اداء و تلفظ حروف، کلمات و جملات، اکثراً دچار اشتباه شده و با خنده، اعتراض و انتقاد والدین و اطرافیان مواجه

می‌شود ولی اعتراض و انتقاد همواره با هدایت و راهنمایی والدین و افراد خانواده به مرور زمان مزتر واقع شده و باعث می‌شود اصلاح نارسایی‌ها و نقاط خرابه و کاستی‌ها و جملات را آهسته آهسته یاد بگیرند. اشکالات و نقایص را بر طرف ساخته و راه مدرسه و اجتماع شده و به سخنوران و سخن‌سرایان مخرب و مشهور تبدیل می‌شوند، در راه رفیق، عطا خورین، لباس پوشیدن و آداب و منشور با دیگران و... فایده و قانون همان است که گفته شد.

در فعالیت‌های اجتماعی نیز قیام و فسانون فسوق حاکم است، پیشرفت‌های اعتبارات انگیزی که در عرصه‌های مختلف، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مدیریتی، صنعت و تکنولوژی و... به دست انسان پدیده آمده است ثمره و نتیجه طرح و برنامه، تلاش و فعالیت، و انتقادهای تلخ و شیرین است که انسان‌ها از ابتدا تا حال از همدیگر داشته و آن را تجربه کرده و به فعیت رسانده‌اند و به وضعیت که امروز مشاهده می‌شود رسیده‌اند.

برای درک مطلب، کافی است به سرگذشت تلفن که امروزه در هر خانه‌ای و حتی همراه هر انسانی ممکن است وجود داشته باشد، قدری درنگ کرده و به آن دقت کنیم، دستگاه ابتدایی تلفن که در سال ۱۸۷۶ توسط «گراهام بل» آمریکایی طراحی، ابداع و اختراع شد در مراحل اولیه به زحمت می‌توانست رابطه بین دو انسان را از فاصله چند متری برقرار کند، ولی با انتقاد، عیب‌جویی و عیب‌یابی و دفع نقایص آن، دستگاه ابتدایی آن روز، به سیستم پیچیده امروز تبدیل شده است و این تفاوت و پیشرفت، ثمره و محصول تلاش و فعالیت انسان، همراه با اعتراض، انتقاد و عیب‌جویی بوده است نه چیز دیگر.

اگر جامعه بشری راه انتقاد و عیب‌یابی را مسدود می‌کرد از سیستم پیشرفته و پیچیده فعلی خبری نبود، در عرصه‌های دیگر مثل ماشین‌های پیشرفته، کشتی‌های غول‌پیکر، هواپیماهای قاره‌پیما و ماهواره‌هایی که کرانه دیگر را فتح و تسخیر کرده و می‌کنند نیز قصه همان است که گفته شد و این ثمره شیرین نقد و کارکرد انتقاد است و اختصاص

به صنعت و تکنولوژی هم ندارد بلکه در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، مدیریتی و... جریان دارد.

■ جایگاه انتقاد در مفاهیم دینی از آن جا که انتقاد و عیب‌یابی، باعث می‌شود انسان، نقایص و کاستی‌های رفتاری خود را در عرصه‌های فردی و اجتماعی، شناسایی کرده و در صدد اصلاح آن برآید، آموزه‌های دینی نیز انتقاد مثبت، سازنده و انگیزشی را مورد توجه قرار داده و نسبت به آن تأکید و توصیه فراوان نموده است.

در آیات قرآن کریم، گرچه واژه نقد و انتقاد ذکر نشده است ولی جملات و کلمات که بار معنایی نقد و انتقاد را داشته باشند، فراوان دیده می‌شود از جمله در سوره زمر، این گونه می‌خوانیم: «[ای رسول] تو نیز بندگان را به لطف و رحمت من، بشارت ده، بندگان که سخن حق را می‌شنوند و به نیکوتر آن عمل می‌کنند، خداوند آنان را به لطف خود هدایت نموده و آنان خردمندان هستند.»<sup>(۱۲)</sup> برگزیدن سخن بهتر از میان سخن‌های فراوان، نیاز به دقت، تأمل و ارزیابی دارد تا صحت و سقم و قوت و ضعف آن، روشن و مشخص گردد. دقت و تفکیک قوت و ضعف و تمییز سره از ناسره، همان نقد و انتقاد سازنده است.

امام علی (ع) افرادی و اشخاصی را که عیوب انسان را با خود او در میان گذاشته و بیان می‌نمایند به عنوان افراد دلسوز و رفیق واقعی معرفی می‌نمایند، در طرف مقابل، افراد آشنایی که نقایص، کاستی‌ها و عیوب انسان را بیان نکرده و از آن چشم‌پوشی می‌نمایند، به عنوان دشمن معرفی کرده و دوری از آنان را ضروری و لازم می‌دانند. «افرادی که عیوبت را با تو آشکارا بیان کرده و نشان می‌دهند دوستدار تو است و کسای که عیوبت را پنهان می‌نمایند دشمن تو خواهند بود.»<sup>(۱۳)</sup>

در آموزه‌های دینی از برادران دینی، به عنوان آینه‌ها یاد شده است.<sup>(۱۴)</sup> آینه‌ای که بدهن غرض و چشم‌داشتی جهت مثبت و منفی شخصیت برادران دینی را باید نشان دهد و زمینه رشد، تکامل

و ترقی آنان را در عرصه‌های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی فراهم سازد.

حضرت علی (ع) علت و فلسفه نامگذاری دوستان نزدیک را به عنوان «صدیق» این گونه بیان می‌دارد: «دوست را از آن جهت دوست و صدیق نامیده‌اند که در مورد تو و عیب‌هایت، صداقت داشته و راستش را با تو می‌گوید.»<sup>(۱۵)</sup> امام صادق (ع) نیز بیان عیب و کاستی‌ها را از سوی دوستان به عنوان بهترین هدیه معرفی می‌نماید و می‌گوید: «محبوب‌ترین برادرانم نزد من کسی است که عیب‌هایم را به من هدیه کند.»<sup>(۱۶)</sup> جمله زیبایی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب، شاید برگرفته از کلام امام صادق (ع) باشد، آن جایی که اعتراض و انتقاد را به عنوان هدیه الهی برای رشد و تعالی انسان‌ها و اجتماعات، معرفی نموده و می‌فرماید: «اشکال بلکه سختنه یک هدیه الهی است برای رشد انسان‌ها.»<sup>(۱۷)</sup>

اصولاً جرح و تعدیل و بررسی افکار و نظریات و مشورت در امور زندگی فردی و اجتماعی که به عنوان یک راهکار در آیات شریفه و احادیث نورانی ذکر شده است و نیز دو اصل مهم امر به معروف و نهی از منکر که به عنوان تکلیف الهی و همگانی در آموزه‌های دینی مطرح است به نوعی انتقاد همراه با هدایت، راهنمایی و ارائه طرح است. از نظر آیات الهی همه اهل ایمان، بدون استثناء، بدون در نظر داشت مقام و موقعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، حق نقد و انتقاد دارند لذا می‌خوانیم: «مردان و زنان مؤمن، بعضی‌هایشان نسبت به همدیگر ولایت دارند همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.»<sup>(۱۸)</sup> این ولایت و قدرت قانونی انتقاد سازنده است که خدای متعال به همه اهل ایمان داده است تا رسماً و قانوناً بتوانند با انواع منکرات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی و... مبارزه جدی و پیگیری را انجام دهند.

نکته ای که باید دقت کرد این است که در آموزه‌های دینی، همانگونه که نقد و انتقاد از اعمال و رفتار همدیگر، آن هم بازگو کردن آن برای خرد افراد، مورد توجه قرار گرفته است در عین حال از غیبت، تهمت، دروغ‌گویی، تمسخر و استهزاء و تجسس در

امور شخصی به شدت منع شده است، آموزه‌های دینی، نقد و عیب‌یابی را به عنوان وسیله‌ای که هدف آن، هدایت انسان است ذکر می‌نماید، لذا منتقد باید جهات مثبت و سازندگی انتقاد را در نظر داشته و در بیان نقایص و کاستی‌ها، عدالت و انصاف را رعایت کند.

پیامبر گرامی اسلام معیار و ملاک امر به معروف و نهی از منکر را در جمله زیبا این گونه می‌فرماید: «هیچ کس حق امر به معروف و نهی از منکر ندارد مگر این که سه تا ویژگی باید داشته باشد اولاً در امر و نهی «نقد و انتقاد» دیگران رفق و مدارا داشته باشد، ثانیاً در امر و نهی، عدل و انصاف را رعایت کند، ثالثاً شناخت و آگاهی کافی در مورد آنچه که بدان امر و نهی می‌کند داشته باشد.»<sup>(۱۹)</sup> در جای دیگر می‌فرماید: «علامت و نشانه ناصح و منتقد چهار چیز است، به حق داوری می‌کند، خودش نیز حق و عدالت را رعایت می‌کند. آنچه از مردم توقع و انتظار دارد خودش نیز پای بند است و بر هیچ کس تعدی نمی‌کند.»<sup>(۲۰)</sup>

■ معیار انتقاد در نظام اسلامی گفته‌اند همه انسان‌ها «به جز معصومین» در زندگی و فعالیت‌های فردی و اجتماعی‌شان، دچار خطا و اشتباه شده و می‌شوند و هر قدر دایره قلمرو فعالیت انسان، وسیع و گسترده شود، ضریب خطا و اشتباهات او بیشتر شده، خطر، ویرانگری و آسیب‌رسانی آن، جدی‌تر می‌شود.

اداره یک کشور و مملکت، امر سهل و ساده‌ای نیست بلکه ظرفیت‌کاری‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود را دارا می‌باشد، اشخاصی که در رأس این کار قرار گرفته‌اند از رئیس دولت تا معاونین، وزراء، رؤسا، مدیران و... امکان دارد دچار اشتباهات فراوانی شوند و طرح و سیاستی که در پیش می‌گیرند ممکن است کارایی لازم نداشته و مطالبی را نداشته باشد، لذا اتحاد جامعه به عنوان یک تکلیف الهی و اجتماعی، مسئولیت دارند با چشمان باز، عملکرد آنان را زیر ذره‌بین قرار داده خطا و اشتباهات را مورد ارزیابی و نقد منصفانه قرار دهند و به مسئولین گوشزد کنند و با انتقادهای سازنده و مؤثر خود به دور از اغراض و آلودگی‌های

سیاسی و جناحی، زمینه و بستر رشد، تعالی و توسعه کشور را در عرصهها فراهم سازند. لذا اصول و معیارهایی که از سوی منتقد باید رعایت شود را اجمالاً یادآور می‌شویم.

۱- هدف از انتقاد، نباید انتقام و پیراگری، بلکه اصلاح و بازنگری باشد. محور اصلی را باسی همه انتقادی، گستر از بود سعادت مردم و رفاه و پیشرفت و مطالبه و تغییر عملکرد فردی و سازمانی و سوق دادن آن در جهت مثبت می‌باشد. در نتیجه تکامل و اصلاح در افکار و رفتار را باعث می‌شود.

افراد و اشخاصی که راه و روش دیگران را جرح و تعدیل کرده و زیر شلاق و تازیانه قرار می‌دهند، قبل از هر چیزی، باید به درون و وجدان خود، مراجعه کرده هدف و توجیه خود را زیر ذره بین قرار دهند و ارزیابی کنند. نه چه عامل باشد در ایجاد آن رفتار و گفتار را جرح و تعدیل نموده و مورد انتقاد قرار دهند؟ آیا حب و بغض‌های شخصی و جناحی در قضاوت و داوری او، نقش و تأثیر داشته است یا نه؟ چرا که برای تشخیص سازنده بودن انتقاد، هیچ ملاک و معیاری، جز وجدان افراد منتقد، وجود ندارد. تنها انسان‌های منتقد منصف، با مراجعه به درون خویش، متوجه می‌شوند که هدفشان چیست؟ انتقام است و یا انتقاد؟

امام راحل، معمار بزرگ عصر حاضر، ضمن اینکه اشکال و انتقاد را به عنوان یک هدیه الهی معرفی کرده و آن را عامل اصلاح امور و رشد انسان و اجتماع، معرفی می‌کند<sup>(۳۱)</sup> می‌فرماید: «ما امیدواریم که ایران اولین کشوری باشد که به چنین حکومتی دست می‌یابد حکومتی که کوچکترین فرد ایرانی بتواند آزادانه و بدون کمترین خطر، به بالاترین مقام حکومتی، انتقاد کند و از او در مورد اعمالش توضیح بخواهد.»<sup>(۳۲)</sup> ولی تأکید می‌کند که «انتقاد صحیح از دولت مانع ندارد ولی انتقام و تضعیف نباید باشد»<sup>(۳۳)</sup> و برای تشخیص انتقاد از انتقام، مراجعه به درون و وجدان خود افراد منتقد را بهترین مرجع می‌داند و می‌فرماید: «انسان می‌فهمد که اگر انتقاد بکند آیا این انتقاد سازنده است یا انتقام است خودش می‌فهمد یعنی غالباً می‌فهمد.»<sup>(۳۴)</sup>

یکی از نویسندگان در مقام بیان تفاوت انتقاد از انتقام و یا انتقاد سازنده از انتقاد ویرانگر می‌گوید: «انتقاد مشفقانه و سازنده با انتقام خصمانه تفاوت بسیار دارد نقد زدن غیر از نقد زدن است منتقد اشکال‌شناس است منتقم اشکال تراش، منتقد در پی تقویت است، منتقم در پی تضعیف، منتقد راه حل نشان میدهد و در راه حل و بینش است و در تمام راه، راه حل نیست منتقد در صدد کشف بیماری و علاج است و منتقم در صدد ایجاد آن، منتقد طیب است منتقم رقیب است انتقاد از شفقت است انتقام از خصومت»<sup>(۳۵)</sup> بنابراین ارزیابی اصلی که باید از سوی انتقاد کننده رعایت شود این است که در جرح و تعدیل‌ها، در صدد تشخیص درد و اصلاح گرفتاری‌ها و درمان بیماری‌ها باشد، کینه، خصومت و انتقام‌گیری، رقابت‌های سیاسی و جناحی را کنار بگذارد و مرجع تشخیص انتقام از انتقاد هم وجدان خود افراد است.

۲- ارائه راه کار برای رسیدن به وضعیت مطلوب: دومین اصلی که باید منتقد، ملاحظه کرده و آن را رعایت کند این است که در کنار اعتراض و انتقاد، حتی المقدور، سعی کند با ارائه طرح و راهکار، راه‌های نیل به وضعیت مطلوب را جستجو کرده و آن را بیان نماید و از این طریق، دانش و مهارت‌های لازم را به آحاد جامعه آموزش داده و منتقل کند «اگر منتقد خواستار منافع دنیایی باشد بدین سان، قدر می‌بیند و بر صدر می‌نشیند و به تدریج دیگران او را نه به عنوان منتقدی منفی باف و نق زن، بلکه به عنوان ناصحی راه‌گشا خواهند شناخت و احترام او را پاس خواهند داشت. اگر هم منتقد در پی کسب ثواب اخروی است، باز برایش بهتر است به جای آن که تنها عیب‌های برادر مسلمانش را به رویش بیاورد، بکوشد تا دستش را بگیرد و او را گامی به پیش ببرد.»<sup>(۳۶)</sup>

۳- ملایمت و یکارگیری جمله‌های مثبت: در تاریخ انسان‌ها، شاید افراد مثل فرعون از لحاظ جرم و جنایت، و گناه و معصیت، انگشت‌شمار باشد، فرعون که ادعای خدایی داشته، مردان بزرگ اسرائیل را قتل عام کرده و زنان شان را به اسارت و بزرگی می‌زد<sup>(۳۷)</sup> ولی برای متعالی هنگامی پیامبرش را به سوی و می‌فرستد به فرعون و او را می‌کشد و می‌دهد تا با فرعون جنایت‌کار و کتبی و ملایمت صحبت کرده تا شاید او را سرافراز آید دست از ظلم و فساد بردارد و هدایت شود.<sup>(۳۸)</sup>

دستور خداوند به حضرت موسی، سینی بر ملایمت با فرعون جدا نکرد، اگر چه سینه، گوش شنوا و عقل سالم وجود داشته باشد. وظیفه و تکلیف مسلمانان را در برخورد با یکدیگر به زیبایی روشن می‌نماید، مسلمانان که به فرموده قرآن، برادران همدیگر هستند،<sup>(۳۹)</sup> لذا سومین اصل و معیاری که منتقد باید مدنظر قرار دهد این است که در مقام جرح و تعدیل دیگران، ملایمت نمود و از کلمات و جملات مثبت، سازنده، مادیانه و انگیزشی استفاده کرده و بهره ببرد بلکه بهتر است در ابتداء، جهات مثبت مورد نقد را یادآور شود، از کلمات و جملات زشت، زنده و توهین‌آمیز جداً پرهیز بنماید، این امر باعث خواهد شد بین او و کسی که مورد نقد قرار گرفته است ارتباط سالم برقرار شده و زمینه تعامل و پذیرش نظریات همدیگر فراهم شود.



۲۹۲۷

ولی در صورتی که منتقد با به کارگیری الفاظ زشت، زننده و رکیک، به طرف مقابل توهین و تحقیر روا دارد، علاوه بر اینکه از نظر مبانی دینی مرتکب گناه و معصیت شده است در بین جامعه و مردم نیز به عنوان شخص هتاک، منفور و منزوی خواهد شد دیدگاه و نظریاتش نیز ارزش و اعتبار خودش را از دست خواهد داد. و ممکن است خودش نیز مورد توهین و تحقیر قرار گیرد. به قول شاعر:

کسی کو با کسی بد ساز گردد

بدو روزی همان بد باز گردد

از امام صادق(ع) نیز نقل شده که می فرماید: «اگر می خواهی تورا عزیز و گرامی بدارند، نرمی و ملایمت پیشه کن و اگر می خواهی خوار و ذلیلت کنند درستی کن.»<sup>(۳۰)</sup> حضرت امام خمینی نیز می فرماید: «لسان نصیحت غیر لسان لجن کردن و ضایع کردن است»<sup>(۳۱)</sup> بنابراین منتقد که در صدد اصلاح جامعه و مردم است، مانند طبیب و پرستار مهربان، با مراجعین و بیماران خود، با نرمی و ملایمت برخورد نماید و اگر چنین نکند نه تنها اصلاحات صورت نمی گیرد بلکه مشکلات و درگیری ها بیشتر شده و بخش اعظمی از نیروها، امکانات و فرصت ها در جهت تأیید و تکذیب این و آن صرف خواهد شد.

۴- استفاده از سؤال: اگر اشکال و انتقاد در قالب طرح یک سؤال یا مجموعه ای از سؤالات، مطرح و عنوان شود، در انتقال اطلاعات و هدایت طرف مقابل، بهتر و بیشتر می تواند تأثیر داشته باشد، چرا که انسان در هر مقام و موقعیت که قرار داشته باشد، در برخورد با اعتراض و انتقاد، برای دفاع از موقعیت خود جبهه گیری نموده و سنگر مقاومت تشکیل می دهد، ولی در صورتی که با طرح پرسش، طرف مقابل شخصاً به خطا و اشتباهات خود، پی برده و اطلاع و آگاهی پیدا کند، بدون جبهه گیری و مقاومت تسلیم شده و در عین دفع نقابش، کاستی ها و اشکالات مورد نظر، بر آمده و اقدامات لازم را انجام خواهد داد.

۵- نقد همراه با عمل: در برخی موارد ممکن است گفتار و نوشتار، سودی نداشته باشد ولی از طریق مداخلات رفتاری، می توان از عملکرد ناشایست و نامطلوب، انتقاد کرد و تفکر مورد نظر و اصلاحی را از طریق عمل و رفتار به طرف مقابل منتقل نمود چرا که انتقاد عملی اثربخشی بسیار عمیقی بر روح و روان مخاطب دارد و به آسانی از ذهن و ضمیر او پاک نمی شود، لذا امام صادق(ع) می فرماید: «مردم را با اعمال تان به سوی خوبی ها و فضایل، دعوت کنید»<sup>(۳۲)</sup> در دوره جاهلیت قبل از اسلام، خرافات فراوانی در بین مردم رواج داشت از جمله ازدواج با مطلقه پسرخوانده را جایز نمی دانستند، زینب بنت جحش، زن مؤمنه است که با پیشنهاد پیامبر(ص)، با زینب غلام آزاد شده و پسرخوانده پیامبر، ازدواج می کند ولی بعد از مدتی بساطر دلایلی از هم جدا می شوند خداوند برای این که یکی دیگر از سنت های غلط را از بین ببرد به پیامبرش دستور می دهد تا با زینب بنت جحش ازدواج کند لذا می فرماید: «هنگامی که زینب، همسرش را طلاق داد، او را به ازدواج تو در آورديم، تا برای شراد با ایسان دوباره همسر تو ب... خوانده شود، هنگامی که آنها را طلاق می دهند سخندودت می نباشد»<sup>(۳۳)</sup>

عبدیمن شافعی آنچه را که می خواهد مورد انتقاد قرار دهد به طبع دقیق و شفاف بیان کند چرا که سرافرازان، انتقاد را مؤثر می نمایند، لذا از اجمال، کلی گویی و کلام

مبهم خودداری کند.<sup>(۳۴)</sup>

■ ■

پی نوشتها:

۱. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۴۳۳.
۲. «وما أنزلی نغسین إن النغس لأشدره بالسوء إلا ما رحم ربی» (سورف/ ۵۳)
۳. «قال فیما یرک لأغویبهم أنعمین • إلا عبادت منہم الفخلصین» (سوره ص/ ۸۳)
۴. سوره عصر: «والنفس • إن الأبتسن لفس خسر • إلا الذین باعوا و عملوا الصلحت»
۵. لغت نامه دهخدا، ج ۲، ص ۲۹۶۵.
۶. لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۴.
۷. ضیف شوقی، نقد ادبی، ترجمه لمیعه ضمیری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۱۲.
۸. زرین کوب، عبدالحسین، نقد ادبی، ج ۱، ص ۵ تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴.
۹. پرس - کارنوبس، س - فیو، ترجمه نوشین بزشک، ۱۳۶۸، ص ۱.
۱۰. پرس - کارنوبس، س - فیو، ترجمه نوشین بزشک، ۱۳۶۸، ص ۱۳۹.
۱۱. راک: ران بردن، «سفر»؛ ترجمه ابوالقاسم پورحسینی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج دوم، ۱۳۷۳، ص ۶۷-۷۱.
۱۲. «فمن ینار • الذین یشتمون القول فیبعون أخته أولئک الذین هدین الله وأولئک هم أولوا الأئمت» (زمر/ ۱۷-۱۸)
۱۳. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۳۲۷، «من بیان لك عیبك فهو ودودك و من سائر عیبك فهو عدوك»
۱۴. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶، «المسلم أخو المسلم هو عینه و مرآته و دلیله لا یخوننه و لا یخدعه و لا یظلمه...»
۱۵. غرر الحکم، کلام ۱۳۴، «تأما نسبی الضدیق صدیقاً لأئمة یصدقك فی نفسك و مایک».
۱۶. الحیة، ج ۱، ص ۱۹۶، «أخت اخوی إلی من أهدی إلی عیبی»
۱۷. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۵۱.
۱۸. «والتؤمنون والتؤمنن بعضهم أولیاء بعض یأمنون بالماضوف ویتهمون عی الشکر» (توبه/ ۷۷)
۱۹. بحار، ج ۱۰۰، ص ۸۳، «لا یأمر بالماضوف و لا یبھی عن المنکر لأماش کل فیه ثلاث خصال: رفیق بما یأمر به رفیق فیه یبھی عنه عدل فیهما یأمر به عدل فیهما یبھی عنه عالم بما یأمر به عالم بما یبھی عنه»
۲۰. تحف العقول، ص ۱۲، «ما علامة الناصح فزیمه بقسی بالحق و یعطى الحق من نفسه و یرضی لنفس ما یرضاه لنفسه ولا یعتدی علی أحد»
۲۱. سید بن طاووس، ص ۲۰، ص ۲۵۱.
۲۲. همان، ج ۵، ص ۴۹.
۲۳. همان، ج ۱۹، ص ۳۶۷.
۲۴. بحار، ج ۱۹، ص ۳۶۵.
۲۵. فرهنگ لغت، ص ۱۹، ص ۱۹۶.
۲۶. التقدیر و التذکر، ص ۱۰۸، «سید خیر انسان، چه کسی است؟» ۱۲۸۳، مؤسسه نشر آثار امام خم...
۲۷. «سید خیر انسان، چه کسی است؟» ۱۲۸۳، مؤسسه نشر آثار امام خم...
۲۸. «سید خیر انسان، چه کسی است؟» ۱۲۸۳، مؤسسه نشر آثار امام خم...
۲۹. «سید خیر انسان، چه کسی است؟» ۱۲۸۳، مؤسسه نشر آثار امام خم...
۳۰. «سید خیر انسان، چه کسی است؟» ۱۲۸۳، مؤسسه نشر آثار امام خم...
۳۱. «سید خیر انسان، چه کسی است؟» ۱۲۸۳، مؤسسه نشر آثار امام خم...
۳۲. «سید خیر انسان، چه کسی است؟» ۱۲۸۳، مؤسسه نشر آثار امام خم...
۳۳. «سید خیر انسان، چه کسی است؟» ۱۲۸۳، مؤسسه نشر آثار امام خم...
۳۴. «سید خیر انسان، چه کسی است؟» ۱۲۸۳، مؤسسه نشر آثار امام خم...



۲۶۲۸